

A Comparative Study of Public Diplomacy of Iran and China in Iraq and Lebanon (2010 –2023)

Azita Salehi 

Ph.D Student, International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Nozar Shafiee * 

Associate Professor, International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Shahrooz Ebrahimi 

Associate Professor, International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Saeid Vosoughi 

Associate Professor, International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Introduction

The Islamic Republic of Iran and China are key players in their respective regions. The strategic position of Lebanon and Iraq has prompted the leadership in Tehran and Beijing to strengthen their

- The article is extracted from the doctoral dissertation

* Corresponding Author: n.shafiee@ase.ui.ac.ir

How to Cite: Salehi, A., Shafiee, N., Ebrahimi, Sh., Vosoughi, V., (2025), "A Comparative Study of Public Diplomacy of Iran and China in Iraq and Lebanon (2010 –2023)", *Political Strategic Studies*, Vol. 14, No. 53, 221-256. Doi: [10.22054/QPSS.2025.79088.3397](https://doi.org/10.22054/QPSS.2025.79088.3397).

influence and credibility in both countries. Over the past few decades, various international actors have employed different methods to improve their global image, given the increasing role of soft power in elevating a country's status. One such method is public diplomacy, which displays a more peaceful side of politics. In this context, both Tehran and Beijing are seeking to bolster their credibility in Lebanon and Iraq through public diplomacy initiatives. However, an analysis of their efforts reveals a stark contrast: while China has been relatively successful in projecting a favorable image, Iran has not only failed to achieve the same goal but has also contributed to the rise of anti-Iranian sentiment—often referred to as *Iranophobia*—both regionally and globally. Adopting a comparative perspective, the current study aimed to explore the differences and reasons underlying public diplomacy initiatives of China and Iran. The research questions are as follows: 1) what are the differences and similarities in the public diplomacy of Iran and China, and 2) how do these differences impact Iranian and Chinese influence in Iraq and Lebanon?

Literature Review

The review of the literature is divided into four sections. The first section provides a definition of public diplomacy, discussing key definitions, characteristics, and its role in international relations. The second examines Iran's public diplomacy efforts, focusing on its ideological strategies and the challenges it faces in fostering relationships with Lebanon and Iraq. The third analyzes China's approach to public diplomacy, highlighting the influence of Confucian principles and the emphasis on economic cooperation. Finally, the fourth section presents a comparative analysis of the public diplomacy strategies employed by the Islamic Republic of Iran and China within the strategic contexts of Lebanon and Iraq.

Materials and Methods

The study employed a qualitative analysis, drawing on a range of journal articles, statistical data, and archival resources. This approach enables a multifaceted discussion of public diplomacy efforts by Iran and China.

Results and Discussion

The analysis showed that both China and Iran recognize the importance of public diplomacy and its role in building trust with the people and governments of Lebanon and Iraq. However, their approaches differ significantly. China emphasizes respect for national sovereignty and non-interference in domestic affairs, thereby cultivating a positive and friendly image. In contrast, Iran's efforts to export its Islamic principles have not only hindered its progress but also diminished its credibility and influence among the populations of Iraq and Lebanon. Iran needs to revisit its public diplomacy strategies, as it faces considerable challenges in the realm of international relations. According to the findings, China has achieved notable success through public diplomacy and economic cooperation. Iran must place greater emphasis on addressing the social and cultural needs of Lebanon and Iraq. Adapting its policies to local contexts would significantly enhance the effectiveness of Iran's diplomatic efforts. By examining China's success in this domain, Iranian state officials can better align their strategies with national interests.

Conclusion

Relying on the conceptual framework of public diplomacy, this study analyzed the roles of China and Iran in Lebanon and Iraq, with a focus on the similarities and differences in how they employ public

diplomacy. Both countries recognize public diplomacy as a vital tool in international relations, which requires a deeper understanding of the social, cultural, and political contexts of the target nations. China has emphasized Confucian principles and leveraged its economic capabilities, while Iran has centered its efforts on promoting Islamic principles. Both nations believe that adherence to their respective value systems can contribute to fostering a safer and more peaceful global society. China's public diplomacy has been largely successful, enhancing its soft power both in the region and in the world. In contrast, Iran's approach—rooted heavily in its ideals and principles—appears to have neglected the everyday realities of local populations. This has led to a decline in its influence among the Lebanese and Iraqi people. Iran could benefit from the experiences of Chinese public diplomacy strategies to adjust its own approach and increase its influence. It is recommended that Iranian policymakers shift their focus from ideological principles to the actual necessities and conditions of the local communities, thereby increasing their diplomatic effectiveness.

Keywords: Iran, China, Public Diplomacy, Lebanon, Iraq.

مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی عمومی ایران و چین در عراق و لبنان (۲۰۲۳-۲۰۱۰)

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد،
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

آزیتا صالحی 

دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه
اصفهان، اصفهان، ایران

نوذر شفیعی* 

دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه
اصفهان، اصفهان، ایران

شهرز ابراهیمی 

دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه
اصفهان، اصفهان، ایران

سعید وثوقی 

چکیده

ایران و چین به‌عنوان دو قدرت تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه تلاش می‌کنند از طریق دیپلماسی عمومی نفوذ خود را افزایش دهند. نفوذ این دو به‌ویژه در عراق و لبنان قابل توجه است. پرسش این است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در دیپلماسی عمومی ایران و چین جهت نفوذ در عراق و لبنان وجود دارد؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده آن است که ایران با تاکید بر پیوندهای تاریخی و مذهبی آنهم با حمایت از گروه‌های سیاسی و اجتماعی در لبنان و عراق نفوذ خود را تقویت کرده است. این در حالی است که چین ضمن بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، از ابزارهای اقتصادی (پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری) آنهم از طریق دولت‌های عراق و لبنان به دنبال نفوذ خود بوده است. به‌عبارت دیگر تفاوت و تشابه دو کشور در ابزارها و شیوه نفوذ است. یافته‌های پژوهش نشان داد دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای رایج در سیاست خارجی کشورها است و هر کشوری سعی می‌کند بر اساس مزیت‌های نسبی خود برای نفوذ از آن استفاده کند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، ایران، چین، لبنان.

----- مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری می‌باشد.

* نویسنده مسئول: n.shafiee@ase.ui.ac.ir

مقدمه

خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، دسترسی به آب‌های آزاد و داشتن منابع طبیعی همواره در کانون توجه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای قرار داشته است. هالفورد مکیندر^۱ معتقد است خاورمیانه به دلیل دسترسی به آب‌های آزاد می‌تواند هم تهدید و هم موقعیتی برای دفاع از هارتلند جهان باشد. آلفرد ماهان نیز در نظریات خود در خصوص دریاهای بر اهمیت خاورمیانه اشاره کرده است. اسپایکمن، کوهن و هانتینگتون نیز خاورمیانه را یک منطقه سوق‌الجیشی می‌شناسند که در شکل‌گیری سیاست‌های جهانی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. این منطقه ژئواستراتژیک همواره کانون مناقشات و منازعات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. در این میان دو کشور ایران و چین به‌عنوان بازیگران تاثیرگذار در خاورمیانه در تلاشند تا نفوذ خود را در این منطقه افزایش دهند و منافع خود را بویژه در کشورهای کلیدی مثل لبنان و عراق تامین کنند. هر دو کشور به‌خوبی آگاهند که دیپلماسی عمومی یکی از مؤثرترین ابزارهای دستیابی به اهداف سیاست خارجی است؛ ابزاری که به آنها امکان می‌دهد نه تنها با دولت‌ها، بلکه با ملت‌ها ارتباط برقرار کرده و درک مثبت‌تری از فرهنگ و ارزش‌های خود ارائه دهند.

ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که دارای فرهنگ و تاریخ غنی است تلاش می‌کند از دیپلماسی عمومی برای تقویت روابط خود با گروه‌های مختلف در عراق و لبنان از جمله شیعیان و دیگر اقوام استفاده کند. از سوی دیگر، چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور در عرصه بین‌الملل به‌ویژه در بحث اقتصادی سعی می‌کند با سرمایه‌گذاری و ارائه کمک‌های بشردوستانه، نفوذ و تصویر مثبت خود را در این کشورها افزایش دهد.

این پژوهش با هدف تحلیل و مقایسه دیپلماسی عمومی ایران و چین در عراق و لبنان، بررسی‌های خود را در سه بخش ارائه می‌دهد. اول، مروری بر تعریف دیپلماسی عمومی؛ این بخش به مفهوم و تاریخچه دیپلماسی عمومی می‌پردازد و چارچوب مفهومی لازم را برای فهم بهتر عملکرد ایران و چین فراهم می‌آورد. دوم، روش‌های دیپلماسی عمومی ایران و چین؛ در این بخش، ابزارها و استراتژی‌های خاص هر کشور برای دستیابی به

1. Halford Mackinder

اهداف دیپلماسی عمومی خود توضیح داده خواهد شد که شامل برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که هر کشور در عراق و لبنان به کار می‌گیرد. سوم، تحلیل نقاط مشترک و افتراق؛ در این بخش شباهت‌ها و تفاوت‌های دیپلماسی عمومی دو کشور بررسی، نقاط قوت و ضعف هر یک از این رویکردها به‌ویژه کنشگری در زمینه رویدادهای سیاسی و اجتماعی در عراق و لبنان تحلیل می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله یک پژوهش بنیادی به‌شمار می‌آید که با روش کیفی انجام شده است. هدف این پژوهش پاسخگویی به تفاوت میان دیپلماسی عمومی ایران و چین در دو کشور لبنان و عراق با تمرکز بر درک ژرف‌تر و تحلیل نظری از رویکردها، استراتژی‌ها و تأثیرات دیپلماسی عمومی پکن و تهران است. ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقالات علمی و پایان‌نامه‌ها) بوده و در جستجوی اطلاعات آنلاین از پایگاه‌های معتبری چون گوگل اسکالر^۱، جی‌استور^۲ و سایر پایگاه‌های معتبر پژوهشی استفاده شده است. بازه زمانی پژوهش از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ میلادی است و قلمرو موضوعی پژوهش در حوزه روابط بین‌الملل قرار دارد. چارچوب مفهومی به کار رفته دیپلماسی عمومی است و از روش مقایسه‌ای برای تحلیل دیپلماسی عمومی دو کشور در لبنان و عراق استفاده شده است. هرچند به دلیل تحولات زیادی که در خاورمیانه رخ می‌دهد ممکن است نتایج سیاست‌ها آن چیزی نباشد که پیش‌بینی شده است اما نویسندگان تلاش کرده‌اند با مطالعه ده‌ها کتاب و مقاله مرتبط با موضوع پژوهش، به این دریافت برسند که ایران از طریق پیوندهای تاریخی و مذهبی به دنبال تقویت نفوذ خود در عراق و لبنان است در حالیکه ابزار اصلی چین برای رسیدن به این هدف پروژه‌های اقتصادی است. یعنی تفاوت در شیوه نفوذ است و در نهایت با مقایسه شباهت‌ها و تفاوت سیاست دو کشور به مقامات ایران سفارش می‌شود که برای اصلاح سیاست‌ها و تامین منافع ملی می‌توان از تجربه موفق چین در این حوزه بهره برد.

1. Google Scholar

2. JSTOR

پیشینه پژوهش

دیپلماسی عمومی یک فرآیند ارتباطی بین دولت‌ها و افکار عمومی کشورها و هدف آن ایجاد درک متقابل و تاثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهاست. به دلیل اهمیت این موضوع، نظریه پردازان و پژوهشگران توجه ویژه‌ای به آن نشان داده‌اند. آلان هنریکسون^۱ در کتاب "دست‌آورد دیپلماسی عمومی چیست؟"^۲ دیپلماسی عمومی را یک اقدام پشتیبان، یک خدمت جانبی و کمکی برای ابتکار عمل دیپلماسی کلان با جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی تعریف می‌کند. او از طرح مارشال، ناتو و برنامه مبارزه با تروریسم به عنوان مثال‌هایی برای دیپلماسی عمومی نام برده می‌گوید هدف تمام این برنامه‌ها تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی است. جان میلسون در کتاب "دیپلماسی عمومی نوین"^۳ با اشاره به این موضوع که دیپلماسی عمومی قدمتی به درازای تاریخ دارد معتقد است دیپلماسی عمومی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم و یک اقدام دیپلماتیک در سیاست است.

در خصوص دیپلماسی عمومی ایران نیز کتاب و مقاله‌های بسیاری نوشته شده که هر کدام از زوایای مختلف و با در نظر گرفتن فاکتورهای گوناگون به بررسی آن پرداخته‌اند. آخوندی نعمت‌آباد و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «چرخه ساختاری و کاربردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران» نشان می‌دهند که نهادهای دیپلماسی عمومی ایران بویژه آنهایی که به صادرات انقلاب پرداخته‌اند، در شکل‌دهی تلاش‌های دیپلماسی عمومی ایران نقش کلیدی دارند. نویسندگان بر اهمیت شفافیت و اعتماد برای ایجاد روابط همکاری و فائق آمدن بر چالش‌ها تاکید دارند. مرادی و همکاران در مقاله "راهبرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا" با اشاره به این موضوع که ایران نتوانسته است از ظرفیت‌های قاره آفریقا به درستی استفاده کند در پی یافتن راهبردهایی برای موفقیت دیپلماسی عمومی ایران در آفریقا هستند. نویسندگان اشاره می‌کند که رقبای ایران در حال ایجاد یک تصویر امنیتی از ایران در منطقه هستند لذا ایران باید در حوزه دیپلماسی عمومی عملکرد قوی و بهتری داشته باشد. گل محمدی و همکاران در

-
1. Alan Henrikson
 2. What Can Public Diplomacy Achieve?
 3. The New Public Diplomacy

مقاله‌ای با عنوان «نقش مراسم اربعین در دیپلماسی عمومی ایران» این مراسم را عنصر مهمی در گسترش فرهنگ مقاومت، تقویت وحدت اسلامی و جهانی کردن اهمیت ژئوپلیتیکی شیعه می‌دانند که توانسته است دیپلماسی عمومی ایران را در جهان اسلام و نظام بین‌الملل تقویت کند. آنها بر لزوم بازنگری در سیاست خارجی ایران و ایجاد روابط ارزشمند با کشورهای اسلامی تاکید کرده‌اند. متقی و شایسته در پژوهش "دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها" مفهوم کلی دیپلماسی عمومی و انواع آن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که ایران با تکیه بر فرهنگ اسلامی می‌تواند مسلمانان غرب را تحت تاثیر قرار دهد. عنایتی و همکاران در مقاله "بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه" دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه را به عنوان دو قدرت منطقه‌ای و چگونگی تاثیر تحولات منطقه بر دیپلماسی عمومی دو کشور را بررسی کرده‌اند.

دیپلماسی عمومی بخشی از استراتژی کلی چین است. پس از دهه ۱۹۸۰ این کشور تلاش کرده است با ابزار اقتصادی و فرهنگی روابط خود را با سایر کشورها تقویت کند. پژوهش‌های بسیاری در این زمینه و اغلب به زبان انگلیسی انجام شده است. ژائو در مقاله‌ای با عنوان «هدف پنهانی دیپلماسی عمومی چین» برنامه‌های دیپلماسی عمومی چین را تحلیل و پتانسیل و تبعات آن را بررسی می‌کند. تحقیق نویسنده نشان می‌دهد که تمرکز ادبیات دیپلماسی عمومی چین بر تصویری است که می‌خواهد از خود به جهان نشان دهد و انگیزه اصلی اقدامات دیپلماتیک هنوز روشن و شفاف نیست. در واقع چین به دنبال کسب مشروعیت داخلی و احترام بین‌المللی است و برای احیای ارزش‌ها و نظام سیاسی خود تلاش بسیاری می‌کند. هارتینگ^۱ در کتاب "دیپلماسی عمومی چین؛ ظهور مکتب کنفوسیوس" به تحلیل جامعی از موسسه‌های کنفوسیوسی پرداخته، آنها را به مثابه ابزاری در دست سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف چین می‌داند. نویسنده توضیح می‌دهد که رویکرد این موسسات بیانگر درک و نگرش چین از/به دیپلماسی عمومی است. هارتیک در مقاله "چین چه درکی از دیپلماسی عمومی دارد؛ اهمیت تصویر ملی برای منافع ملی" می‌گوید چین برای ایجاد تصویر مثبتی از خود به دیپلماسی عمومی متوسل شده است.

1. Harting

چندین پژوهش نیز در داخل درباره دیپلماسی عمومی چین انجام شده است اما مقایسه‌ای بین دیپلماسی عمومی ایران و چین در لبنان و عراق انجام نداده‌اند. مقاله می‌تواند به صورت مقایسه‌ای رویکردهای دو کشور در لبنان و عراق را بررسی کرده، به خوانندگان کمک می‌کند تفاوت‌های اساسی در استراتژی دو کشور را درک نمایند. همچنین با توضیح دیپلماسی عمومی اهمیت آن را در سیاست خارجی مشخص می‌کند. از آنجا که مقاله تأثیرات فرهنگی، مذهبی و نقش رسانه و فناوری‌های نوین در شکل‌دهی به دیپلماسی عمومی ایران و چین را بررسی می‌کند، خواننده بهتر می‌تواند میزان اثرگذاری این فاکتورها را بر سیاست خارجی درک کنند و در نهایت تحلیل روند دیپلماسی عمومی ایران و چین در عراق و لبنان، پیش‌بینی تحولات آینده روابط بین‌الملل را آسان‌تر خواهد کرد.

چارچوب مفهومی

دیپلماسی همواره یکی از ارکان مهم سیاست می‌باشد. جانسون^۱ و هال از دیپلماسی با عنوان "موسسه ارشد"^۲ و یا "موتورخانه"^۳ در روابط بین‌الملل یاد کرده‌اند. ارنست ساتو^۴ دیپلماسی را به‌کارگیری خرد برای ارتباط رسمی بین دولت‌های مستقل می‌داند (Jonsson & Hall, 2005: 1-2). جهانی‌شدن راهگشای دیپلماسی عمومی بود زیرا روابط کشورها را از محدوده دولت-دولت (دیپلماسی سنتی) خارج کرد و به حوزه دولت-مردم (دیپلماسی عمومی) کشاند.

دیپلماسی عمومی به زبان ساده یعنی استفاده از یک ابزار غالباً فرهنگی، آموزشی یا انسان‌دوستانه که با آن بتوان ذهن و احساس یک گروه از افراد یا ملت را تحت تأثیر قرار داد. جان میلسون معتقد است دیپلماسی عمومی عمری به درازای دیپلماسی دارد؛ حتی در تاریخ کهن نیز پادشاهان و نمایندگان آنها از افکار عمومی سایر کشورها و اعتبار خود غافل نبوده و از دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزار قدرت نرم استفاده کرده‌اند. آنچه

1. Jonsson

2. The Master-institution

3. The Engine Room

4. Ernest Satow

امروز "قدرت نرم" نامیده می‌شود پس از جنگ جهانی اول مورد توجه جوامع آکادمیک قرار گرفت. ای.اچ.کار می‌گوید برای رسیدن به اهداف سیاسی، قدرت ذهن ضرورت کمتری از قدرت اقتصادی و نظامی ندارد بلکه همواره مجاور آن بوده است. بعدها جوزف نای واژه "قدرت نرم" را در مقابل "قدرت سخت" قرار داد و آن را وارد ادبیات روابط بین‌الملل کرد (Melissen, 2005: 4).

ادموند گالیون^۱ که برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ اصطلاح دیپلماسی عمومی را بکار برد (خانگلزاده سنگرودی و مومنی، ۱۴۰۱: ۱۱۳)، هدف آن را پرداختن به نگرش عمومی به سیاست خارجی یک دولت و ایجاد نفوذ می‌داند (Hongxiu, 2018: 221). با ظهور دیپلماسی عمومی، قدرت نرم چنان اهمیتی یافت که کلیتون، رئیس جمهور وقت آمریکا، عبارت "آژانس اطلاعات ایالات متحده"^۲ را حذف و به جای آن عبارت "معاونت دیپلماسی عمومی و امور عمومی"^۳ را به کار برد. این یک تغییر سازمانی نبود بلکه یک تغییر فلسفی از یک مدل جهانی پذیرفته شده به یک مدل از تعهد دولت با مردم بود که بر اصل تبادلات فرهنگی و آموزشی تاکید داشت (Golan, 2013: 3). ظهور شبکه‌های ماهواره‌ای با ایجاد ارتباط بین مردم جهان به رشد دیپلماسی عمومی کمک کرد. مردم، دیگر شهروندان قرن نوزدهم نیستند که فقط تحت تاثیر سیاست‌های دولتمردان خود باشند بلکه بازیگران جدید روابط بین‌الملل هستند که با آگاهی از آنچه در جهان اتفاق می‌افتد و اتخاذ رویکردهایی در جهت منافع خود، دولت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

دیپلماسی عمومی چهار مفهوم کلیدی دارد: اول درک یا مفاهیم^۴، یعنی برای داشتن یک دیپلماسی عمومی موفق، درک فرهنگ، نگرش و رفتار دیگران مهم است. دوم برنامه‌ریزی است^۵ که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها مانند توصیه و نقد سیاست‌گذاران، استراتژی‌های لازم برای پیشرفت و ارائه راهکار استراتژیک به بازیگران را شامل می‌شود.

1. Edmund Gullion

2. United States Information Agency (USIA)

3. Undersecretary of Public Diplomacy and Public Affairs

4. Understanding

5. Planning

سومین مفهوم تعهد^۱ است که به پابندی سیاست‌گذاران به اصول و ارزش‌های خود مرتبط می‌شود و در نهایت مفهوم وکالت^۲ است یعنی بازیگر تنها به دنبال حفظ اصول خود نیست بلکه در پی جلب توجه، ایجاد اعتماد و متقاعد کردن دیگران به نفع خود است (Gregory, 2011: 355-360). گانش و ملیسن^۳ تعبیر جالبی درباره دیپلماسی عمومی دارند؛ آنها "تعهد"، "گفتمان" و "دوجانبه‌گرایی" را کلمات کلیدی در دیپلماسی عمومی دانسته و معتقدند دیپلماسی عمومی در واقع بخشی از فرآیند "جامعه‌پذیر کردن دیپلماسی"^۴ است (Gonesh and Melissen, 2005: 4). با این حساب دیپلمات‌ها باید تلاش بسیاری برای پذیرش خود از سوی مخاطبین انجام دهند زیرا با انگیزه‌ها، برداشت‌ها و خواسته‌های گوناگون سروکار دارند.

قدرت نرم ابزار دیپلماسی عمومی است. در قدرت نرم چهره عریان قدرت نشان داده نمی‌شود بلکه تلاش بر این است که از طریق اقناع، ذهن مخاطب تحت تاثیر قرار گرفته، در جهت تامین منافع اعمال‌کننده قدرت عمل کند. در قدرت نرم یا به گفته استیون لوکس "چهره سوم قدرت"، قدرت بر فرد و گروه اعمال شده و در بسیاری موارد این افراد آگاهی از اعمال قدرت بر خود ندارند و حتی تصور می‌کنند خود عامل قدرت هستند، یعنی جایگاه سوژه و ابژه در این فرآیند جابه‌جا می‌شود. به عبارت دیگر قدرت نرم یک چهره موجه و مثبت از بازیگر ایجاد کرده و در ذهن مخاطب برای او اعتبار خلق و مخاطب را راضی می‌کند و در راستای خواسته طرف مقابل رفتار کند (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۳-۱۰۲). کشورها از طریق قدرت نرم تمهیداتی را برای تغییرات ساختاری در نگرش خود به روابط بین‌الملل به کار می‌بندند که از آن با عنوان "دیپلماسی عمومی" یاد می‌شود. یانگ^۵، وزیر اسبق امور خارجه چین در این مورد می‌گوید بسیاری از کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ توجه خاصی به گسترش قدرت نرم، ارزش‌ها، الگوها، نظریات سیاسی و فرهنگ

-
1. Engagement
 2. Advocacy
 3. Gonesh & Melissen
 4. Socialization of Diplomacy
 5. Yang

دارند. دیپلماسی عمومی که زاییده گذر زمان است ابزاری مفید برای افزایش قدرت نرم می‌باشد (Li & Wong, 2018: 40).

آنچه درباره دیپلماسی عمومی گفته شد بیانگر اهمیت آن در سیاست خارجی کشورهاست. دو کشور ایران و چین نیز تلاش می‌کنند با استفاده از داشته‌های فرهنگی و آموزشی، دیپلماسی عمومی خود را اجرایی کرده، بر قدرت نرم خود بیفزایند و با همراه ساختن افکار عمومی سایر کشورها منافع ملی را پیگیری نمایند اما نتایج عملکرد آنها متفاوت بوده است.

دیپلماسی عمومی چین در خاورمیانه

دیپلماسی عمومی از بخش‌های حیاتی استراتژی کلی این کشور برای نفوذ بیشتر و برقراری روابط عمیق‌تر با کشورهای منطقه خاورمیانه است. نیاز به تامین انرژی و گسترش اقتصادی، پکن را به سمت این منطقه سوق داده است و در کنار آن مقامات چینی در پی ایجاد همکاری‌های استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی هستند. دادن وام‌های کلان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، افزایش همکاری‌های فرهنگی و آموزشی و برقراری روابط با جامعه، از اقدامات کلیدی سیاست‌های عمومی چین است. ابتکار کمربند-راه، ابزار اصلی چین برای ارتقای جایگاه استراتژیک خود در منطقه است. این پروژه مسیرهای تجاری جدیدی را ایجاد کرده و حمل و نقل را بهبود می‌دهد. بنابراین کشورهای منطقه این فرصت را دارند تا از مزایای این طرح برای بهبود وضعیت و تامین منافع خود استفاده کنند. در این میان موقعیت تاریخی و جغرافیایی عراق و لبنان باعث شده این دو کشور جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی عمومی چین داشته باشند. عراق یک کریدور اقتصادی مهم با منابع غنی انرژی است و یکی از شرکای استراتژیک چین در تامین انرژی به شمار می‌آید. از سوی دیگر ثبات فرهنگی و موقعیت تجاری لبنان برای چین یک فرصت است تا دامنه نفوذ اقتصادی خود در این کشور و کشورهای همسایه آن را گسترش داده و بازارهای بزرگی به دست آورد.

دیپلماسی عمومی چین در لبنان

دیپلماسی عمومی چین در خاورمیانه با برگزاری کنفرانس باندونگ در ۱۹۵۵ آغاز شد. چین در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ با بسیاری از کشورهای خاورمیانه از جمله لبنان قراردادهای فرهنگی و آموزشی امضا کرد و مقامات چینی از این کشور دیدار کردند (Hongxiu, 2018: 221). در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ نیز دیپلماسی عمومی چین در لبنان یکی از ابزارهای کلیدی چین برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه بوده است. چین با تقویت روابط دوجانبه با لبنان به دنبال ایجاد تصویری مثبت از خود در بین مردم لبنان و افزایش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی با این کشور است.

پکن از سال ۲۰۱۰ به آهستگی حضور خود را در لبنان افزایش داد به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۷ لبنان به یک شریک استراتژیک در ابتکار «کمربند-راه» تبدیل شد. حضور لبنان در ابتکار کمربند-راه روابط این کشور با چین را به یک مشارکت استراتژیک بلندمدت تبدیل کرد. جغرافیای لبنان در شرق دریای مدیترانه و اقتصاد باز و انعطاف‌پذیر آن، زمینه‌ساز این تحول مهم بوده است (Al Shaher & Zreik, 2021: 151). اگرچه در یک تعریف مضیق، دیپلماسی عمومی حوزه اقتصادی را شامل نمی‌شود اما چین دقیقاً با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی لبنان یکی از مهم‌ترین ابعاد دیپلماسی عمومی را به نمایش گذاشته است. دولت چین در چارچوب پروژه کمربند-راه با دادن وام و کمک‌های مالی به دولت لبنان، پروژه‌های بزرگی مانند ساخت جاده‌ها، پل‌ها و توسعه بندر بیروت را آغاز کرده است (Habibi, 2021: 7). مقامات پکن در هشتمین نشست وزرای مجمع همکاری چین و کشورهای عربی اعلام کردند که ۶۰۰ میلیون یوان به سوریه، یمن، اردن و لبنان برای کمک‌های بشردوستانه و بازسازی زیرساخت‌ها پیشنهاد می‌کنند (Wen & Chen, 2022: 7). در سال ۲۰۱۷ چین به منظور پیشبرد اهداف طرح کمربند-راه دو تفاهم‌نامه با کشورهای عربی از جمله لبنان امضا کرد و در سال بعد به عنوان بخشی از همکاری‌های چین و کشورهای عربی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به بیروت کمک کرد (Zreik, 2021). به گفته سفیر چین در لبنان، دولت چین ۶۲ میلیون دلار برای ساخت

«کنسرواتوری ملی عالی موسیقی لبنان»^۱ به این کشور کمک کرده است. علاوه بر این پکن قصد دارد پل‌های خورشیدی به مراکز ارتباطی لبنان اهدا کند که بنابر پیش‌بینی‌ها ۳۵۸ مرکز از اپراتورهای تلفن‌های همراه دولتی را پوشش خواهد داد (Eng., 2024). چین قصد دارد با توجه به نیاز منطقه از راهکار اقتصادی و ارائه کمک‌های بشردوستانه و اقتصادی و نیز میانجیگری در حل اختلافات منطقه‌ای استفاده کند. این ابتکارات در نهایت تصویر مثبتی از چین نزد دولت و افکار عمومی لبنان به ارمغان می‌آورد و به نفوذ این کشور در لبنان و خاورمیانه منجر می‌شود. بر اساس تحقیقی که موسسه پیو در سال ۲۰۱۹ برای اندازه‌گیری میزان رغبت کشورهای اسرائیل، لبنان، تونس و ترکیه انجام داد مشخص شد که مردم لبنان بیشترین علاقه را به چین دارند زیرا اقتصاد رو به رشد چین را برای کشورشان مفید می‌دانستند (Andersen et al., 2020: 21-2).

در کنار سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، چین قصد دارد فرهنگ خود را نیز به جامعه لبنان معرفی کند. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری و تبادل دانشجو اقداماتی است که چین برای ترویج فرهنگ خود به‌ویژه بین جوانان لبنان انجام داده که منجر به ایجاد تصویری مثبت از چین شده است. در این مسیر، چین از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های تلویزیونی به زبان عربی استفاده کرده است تا پیام خود را به مردم عرب‌زبان و از جمله لبنان برساند. دیپلمات‌های چینی نیز از تصاویر، نمادها و ایده‌ها در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند تا تصویری که به نفع منافع کشورشان است را به جهان نشان دهند. از نهم جون ۲۰۲۰ تا ۲۳ فوریه ۲۰۲۱، تعداد ۹ حساب توییتری که توسط دولت چین حمایت می‌شدند، هزاران توییت به زبان عربی زدند (Schliebs, 2021: 26-34). این رویکرد به چین کمک کرد تا ارتباط مستقیم‌تری با مردم لبنان برقرار کند و تصویر مثبتی از خود ایجاد نماید. بعلاوه چین در زمینه کمک‌های بشردوستانه نیز فعال بوده و در بحران‌ها و بلایای طبیعی کمک‌های مالی و مواد غذایی به لبنان ارائه کرده است. در بحران اپیدمی کورونا، چین واکسن‌های سینوفارم و سینوواک خود را به‌عنوان کمک مالی به کشورهای شرق مدیترانه از جمله لبنان ارسال و بر جنبه انسان‌دوستانه خود در این مورد

1. Lebanese National Higher Conservatory of Music

تاکید بسیار کرد. این اقدام در دوران اپیدمی و البته خروج دولت ترامپ از سازمان بهداشت جهانی، فرصت بزرگی در اختیار چین قرار داد تا خود را به عنوان یک قدرت مسئولیت پذیر به جهان معرفی نماید (Ungor, 2023: 69). این دست اقدامات نه تنها روابط دوجانبه چین و لبنان را تقویت کرده بلکه احساس همبستگی و دوستی مردم لبنان نسبت به چین را نیز افزایش داده است. با وجود این موفقیت‌ها، دیپلماسی عمومی چین با چالش‌هایی نیز روبرو است. نفوذ ایالات متحده آمریکا و فرانسه در لبنان و برداشت منفی آنها درباره تحرکات چین، مانع می‌شود که چین بتواند آنچنان که می‌خواهد در این منطقه فعالیت کند (Abboud, 2021: 12- 20).

دیپلماسی عمومی چین در عراق

دیپلماسی عمومی چین در عراق در دوره زمانی بین ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ به طور چشمگیری گسترش یافت. دلیل اصلی این تحولات تغییر در نگرش چین به خاورمیانه، افزایش منافع اقتصادی و سیاسی در این منطقه و تلاش برای تقویت رابطه با کشورهای عربی به ویژه عراق بود. با سقوط رژیم صدام در ۲۰۰۳، عراق مورد توجه قدرت‌های بزرگ از جمله چین قرار گرفت زیرا دارای پتانسیل‌های اقتصادی و منابع طبیعی چشمگیری بود. این رویکرد به ویژه پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق در ۲۰۱۱ و نیاز کشور به بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها اهمیت یافت. لذا چین عراق را نقطه آغاز روابط خود با جهان عرب انتخاب کرد زیرا علاوه بر داشتن مزیت‌های اقتصادی و جغرافیایی، مردم عراق از قدرت‌های غربی ناخشنود و حتی بیزار بودند (Mukhlif & Dawood, 2023: 408- 12) و این راه را برای چین هموارتر ساخته است.

اهداف اصلی دیپلماسی عمومی چین در عراق؛ تقویت روابط اقتصادی، توسعه روابط سیاسی و گسترش ارزش‌ها و فرهنگ چینی است تا بتواند تصویر مثبتی ایجاد کرده و نفوذ خود را افزایش دهد. چین قصد دارد از طریق ابتکار کمربند- راه شبکه‌های تجاری و زنجیره‌های تامین در آسیا، اروپا و آفریقا ایجاد کند. جغرافیای عراق برای این منظور حساس و حیاتی است. دو کشور در ۲۰۱۵ با هدف شراکت، بازسازی عراق و مشارکت در پروژه‌های حیاتی از جمله انرژی، برق، ارتباطات و زیرساخت‌ها یادداشتی با عنوان

«مشارکت در ساخت کمر بند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱» امضا کردند. شی جین پینگ مشارکت عراق در کمر بند- راه را به تأمین نفت این کشور در ازای بازسازی و سرمایه گذاری مرتبط دانست. در سال ۲۰۱۹ نیز هشت موافقت نامه اقتصادی و مالی بین دو کشور امضا شد که محور آن تأمین نفت چین در ازای بازسازی عراق به مدت ۲۰ سال بود. در سال ۲۰۲۱، ساخت بندر الفاو^۱ و یکی از مسیرهای مرتبط به نام «تونل ابریشم» آغاز گردید (Gul, 2023: 356-8). در سال ۲۰۲۳ شرکت های چینی موفق شدند ۸۷٪ از قراردادهای پروژه های نفت، گاز و نیرو را که عراق به مبلغ ۳/۳۵ میلیارد دلار منعقد کرده بود را برای اجرا در دست گیرند و در مقابل بازسازی های کلانی در عراق انجام دهند (Calabrese, 2023). همکاری های اقتصادی، تعاملات مردم چین و کشورهای خاورمیانه و نفوذ چین را افزایش داده است. بر اساس یک نظرسنجی که در سال ۲۰۲۰ انجام شد، مردم ۹ کشور از ۱۲ کشور عرب، خواهان تقویت روابط اقتصادی با چین هستند (Wen & Chen, 2022: 16).

در کنار سرمایه گذاری های اقتصادی، چین به ترویج فرهنگ خود در عراق نیز توجه بسیاری دارد. فرهنگ چینی همواره بخشی از استراتژی این کشور برای کسب پیروزی بدون جنگ بوده است. دیپلماسی عمومی و اقدامات فرهنگی ابزارهای قدرتمندی برای نفوذ و بهبود جایگاه چین در آسیا و بویژه خاورمیانه است (Grincheva, 2024: 177). هفده موسسه کنفوسیوس در خاورمیانه بهترین ابزار چین برای ترویج اندیشه ها و اصول خود بویژه در کشورهای اسلامی است. در کنار آن آموزش طب چینی، زبان چینی و کنگفو نیز به ایجاد گرایش مردم خاورمیانه به فرهنگ چینی و در نتیجه افزایش نفوذ آن کمک بسیاری کرده است (Sharma, 2023: 33).

چین در راستای تقویت دیپلماسی عمومی خود در عراق، اقدامات چندجانبه و موثری مانند کمک ۲۵ میلیون دلاری برای بازسازی زیرساخت های این کشور و بخشش بخشی از بدهی های عراق انجام داده است. در نوامبر ۲۰۲۳ شورای تجاری چین و عراق با حضور ۱۵۰ شرکت عراقی و ۵۵ شرکت چینی و به منظور تقویت روابط تجاری دو کشور آغاز

1. Al-Faw Port

به کار کرد و به تازگی اعلام کرده که قرار است طبق توافق دوجانبه، بیش از ۲۰۰ پروژه اجرایی شود (The New Region, 2024). این دست اقدامات نه تنها فرایند بازسازی را آسان‌تر کرده بلکه نشان‌دهنده تعهد چین به حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی عراق است. بعلاوه چین در تلاش است با ارائه بورسیه‌های تحصیلی به دانشجویان عراقی و آموزش دیپلمات‌های این کشور، روابط فرهنگی و انسانی خود را با عراق تقویت کرده و نسل جدیدی از رهبران عراقی را برای همکاری‌های آینده پرورش دهد (Zhu, 2018: 3-42). در سال ۲۰۱۹ دو کشور برای ساخت صد مدرسه توسط چین در عراق با یکدیگر به توافق رسیدند که به دلایل تحولات عراق به تاخیر افتاد اما دولت عراق اعلام کرد که اولین مدرسه ساخته شده به صورت رسمی در ناصریه بازگشایی شد و این اولین گام در راستای عملی شدن قرار داد یاد شده است (Baban, 2024). این رویکرد جامع، به چین این امکان را می‌دهد که در عراق و حتی در عرصه بین‌الملل به عنوان شریکی قابل اعتماد و متعهد شناخته شود. با وجود چنین اقداماتی، چالش‌هایی که بر سر راه اجرای دیپلماسی عمومی چین در عراق وجود دارد پکن باید با مواردی مانند رقابت آمریکا با چین و ناآرامی‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی در عراق نیز روبرو شود.

دیپلماسی عمومی ایران در خاورمیانه

دیپلماسی عمومی یکی از ارکان مهم سیاست خارجی ایران در خاورمیانه است تا از این طریق روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای منطقه تقویت کرده و افزایش دهد. فعالیت در حوزه دیپلماسی عمومی این فرصت را به ایران می‌دهد تا تصویر مثبتی از خود در ذهن جوامع کشورهای همسایه و حتی دورتر ایجاد نماید. دیپلماسی عمومی ایران در خاورمیانه شامل تبادلات فرهنگی، همکاری‌های رسانه‌ای و ایجاد موسسه‌های فرهنگی و آموزشی است. عراق و لبنان در استراتژی دیپلماسی عمومی ایران جایگاه مهمی دارند. عراق با ایران مرزهای مشترک طولانی و روابط تاریخی دارد به همین دلیل یک گزینه استراتژیک برای برقراری روابط است. دو کشور در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی همکاری‌های گسترده‌ای دارند و پشتیبانی ایران از گروه‌های سیاسی و اجتماعی که مواضع نزدیکی به تهران دارند، گویای اهمیت عراق در سیاست خارجی ایران است.

لبنان یکی دیگر از کشورهای مهم در سیاست خارجی ایران به شمار می آید. حزب الله لبنان، نفوذ ایران در این کشور و منطقه را افزایش داده است. تهران نه تنها به دنبال حفظ و تقویت روابط خود با لبنان می باشد بلکه در تلاش است از طریق روابط فرهنگی و مذهبی، یک شبکه حمایتی در لبنان ایجاد نماید تا اینگونه تاثیر خود را در معادلات سیاسی خاورمیانه افزایش دهد.

دیپلماسی عمومی ایران در لبنان

یکی از ارکان مهم سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، دیپلماسی عمومی در لبنان است. لبنان با داشتن موقعیت جغرافیایی خاص و گوناگونی فرهنگی و مذهبی، برای ایران یک مورد استراتژیک است. سه دلیل اصلی اهمیت لبنان برای ایران عبارتند از: وابستگی رهبران ایران به امام موسی صدر، رهبر مفقود شده جامعه شیعه در لبنان؛ حمایت شیعیان لبنان از انقلاب ۱۳۵۷ و مرز مشترک لبنان با اسرائیل که از نظر دولت ایران یک رژیم اشغالگر غیرقانونی است (Haji-Yousefi, 2021: 216).

دیپلماسی ایران در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ به طور قابل توجهی تحت تاثیر تحولات سیاسی- اجتماعی این کشور و منافع استراتژیک ایران در خاورمیانه قرار داشته است و از آنجا که لبنان یک کشور کلیدی در بلوک مقاومت است، ایران توجه زیادی به آن دارد. حمایت از گروه های آزادی بخش و شیعیان کشورهای مسلمان یکی از اقداماتی بوده که ایران برای افزایش نفوذ خود انجام داده و توانسته است تا حدودی مخالفان نظام سیاسی این کشورها را با خود همراه و بین مردم و نظام سیاسی آنها نفوذ کند (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۹۱-۶۹۲). در راستای این هدف، ایران در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار در بخش های آب و انرژی لبنان سرمایه گذاری و برای کمک به تقویت اقتصاد لبنان آمادگی خود را برای اجرای پروژه های ساخت سد و کمک به اکتشاف و صادرات نفت و گاز لبنان را اعلام کرد (Tehran Times, 2010). ایران بخشی از شبکه قدرت خود را در قالب گروه هایی چون انصارالله، حزب الله، حشد الشعبی ایجاد و از آن به عنوان ابزاری برای موازنه قدرت ساختاری و ژئوپلیتیکی استفاده می کند (آخوندزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸).

بر خلاف چین که از دروازه دولت لبنان وارد این کشور شد، ایران برای گسترش نفوذ فرهنگی خود در لبنان از طریق حزب الله اقدام کرده است. ایران به حزب الله کمک کرد تا شبکه تلویزیونی «المنار» را راه‌اندازی کند و فعالیت‌های اجتماعی خود را در سراسر کشور گسترش دهد. همچنین دفتر ارتباطات رسانه‌ای خود را در لبنان باز کرد و توانست با گسترش ارزش‌ها و سیاست‌های مورد نظر خود، نفوذ زیادی در منطقه به‌دست آورد (هادیان و ایرانفر، ۱۴۰۱: ۲۸۶). حزب الله از این شبکه و شبکه‌های المیادین و الکوثر برای ایجاد جنگ روانی مانند تهدید به حمله به تأسیسات اتمی علیه اسرائیل استفاده می‌کند (بیگی، ۱۴۰۱: ۱۵). ایران تلاش کرده است در حوزه فرهنگی نیز ارتباطات دوجانبه را با لبنان تقویت کند. در سال ۲۰۲۲ یک هیئت ایرانی برای اعلام برنامه‌های هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بازگشایی این نهاد در لبنان به بیروت سفر و برای افزایش همکاری‌های دوجانبه در حوزه فرهنگ و هنر ابراز امیدواری کرد (Mehr, 2022). می‌توان ادعا کرد ایران در تحت تاثیر قرار دادن حزب الله موفق عمل کرده است. حزب الله لبنان تاثیر زیادی از ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران گرفته است. شیوه‌ها و ابزار تبلیغاتی حزب الله مشابه ابزارهای تبلیغاتی ایران است. شعار حزب الله از فرهنگ لغت انقلاب اسلامی ایران وام گرفته شده است. عنوان «حزب الله» در عین حال برگرفته از آیات قرآن و فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب است. موضوعاتی مانند مستضعفان، استکبار جهانی، اسرائیل غاصب، وحدت اسلامی و آزادی قدس از فرهنگ انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) وام گرفته شده است (Mousavi, 2022: 102).

جنبه دیگر حمایت‌های ایران از لبنان به منابع مالی بر می‌گردد. تهران در سال ۲۰۲۱ در مجموع ۴۴ میلیون دلار کالا به لبنان صادر کرد که این رقم در سال بعد ۲/۵ برابر رشد کرد و ایران در جایگاه سی و دومین صادرکننده به لبنان قرار گرفت در حالیکه در سال قبل از آن در جایگاه چهل و هشتم قرار داشت (Mehr, 2023). حزب الله نیز کمک‌های بسیاری از سوی ایران دریافت کرده است. پس از تأسیس حزب الله، ایران از طریق بانک مرکزی، بخشی از منابع مالی خود را به این گروه و سایر گروه‌های حاضر در جنوب لبنان اختصاص داد. به گزارش وزارت امور خارجه آمریکا، حزب الله از ۱۹۹۰ به بعد سالیانه

تقریباً ۱۰۰ میلیون دلار حمایت مالی خالص دریافت می‌کرد تا هم بقای خود را حفظ کند و هم هرج و مرج داخلی لبنان را تغییر دهد (Lucic, 2009: 82). برخی از گزارش‌ها نیز نشان داده‌اند که ایران تا ۲۰۱۸ سالانه ۷۰۰ میلیون دلار در اختیار حزب‌الله قرار داده است و برای افزایش نفوذ اقتصادی خود در لبنان در بحبوحه بحران اقتصادی ۲۰۲۱ سوخت این کشور را نیز تامین کرده است (Azizi & Barnes-Dacey, 2024: 17). وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۲۲ گزارش داد که بیشترین بخش بودجه، آموزش، تسلیحات و مواد منفجره و نیز کمک‌های سیاسی، دیپلماتیک، مالی و سازمانی حزب‌الله توسط ایران تامین می‌شود (CRS, 2024: 1). با وجود تلاش‌های ایران برای نفوذ در لبنان، تهران با چالشی در این مسیر مواجه است. ایران به دلیل حمایت از حزب‌الله تحت تحریم‌های شدید غرب و آمریکا قرار دارد. چالش دیگر، نگرش منفی برخی از گروه‌ها به نفوذ ایران و افزایش قدرت حزب‌الله است.

دیپلماسی عمومی ایران در عراق

عراق یکی از کشورهای مهم در سیاست خارجی ایران است. ایران میزبان ۳۳۰۰۰ نفر از مهاجران عراقی پس از شورش ۱۹۹۱ تا سقوط صدام بود که در ایران زندگی، ازدواج و تحصیل کردند (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۵). با سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و آغاز روند دموکراتیک در عراق، ایران به دنبال گسترش نفوذ خود در این کشور بود. وقوع بحران‌های سیاسی و امنیتی مختلف در عراق، فرصتی بود تا ایران از طریق دیپلماسی عمومی و روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، جایگاه خود را تقویت کند.

ابزار قدرت ایران تاثیر بر نخبگان سیاسی، شبه‌نظامیان شیعه و افکار عمومی عراق بود و توانست از طریق آموزه‌های شیعی در نظام سیاسی و جامعه عراق که ۶۰٪ مردم آن شیعه هستند نفوذ کند. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی با عراق یک برگ برنده در دست ایران است تا بتواند با سازماندهی رویدادهای فرهنگی و مذهبی در عراق، ارزش‌های خود را ترویج نماید. یکی از اقدامات ایران برای اعمال نفوذ، بورسیه کردن دانشجویان عراقی است. تعداد زیادی از دانشجویان عراقی در دانشگاه‌های بین‌المللی المصطفی (بیش از ۷۵۰ نفر) و اهل‌البیت مشغول به تحصیل هستند (Pourali et al., 2022: 55-57). سازمان

فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال‌های گذشته اقداماتی از جمله ایجاد چهار مرکز فرهنگی در بغداد، بصره، سلیمانیه و اربیل، امضای ۱۸۰ تفاهمنامه برای همکاری ۶۰ دانشگاه ایران و عراق، ایجاد زمینه برای تحصیل ۷۰ هزار دانشجوی عراقی در ایران، ترجمه آثار فاخر علمی و فرهنگی ایران به زبان عربی و چاپ بیش از ۳۰۰ کتاب، تاسیس شعبه‌های دانشگاه ایرانی از جمله دانشگاه علوم پزشکی تهران، المصطفی و آزاد (ایرنا، ۱۴۰۳) و چندین اقدام دیگر در جهت ایجاد تعامل فرهنگی بین دو کشور انجام داده است.

برگزاری مراسم محرم و اربعین در عراق با مشارکت گسترده زائران ایرانی نمونه دیگری از اقدامات فرهنگی ایران است که نه تنها فضاهای مشترک فرهنگی را تقویت می‌کند بلکه باعث تقویت هویت شیعه در منطقه می‌شود. سالانه میلیون‌ها ایرانی برای شرکت در این مراسم وارد عراق می‌شوند. ایران برای تبلیغ منافع و اصول مورد نظر خود از رسانه نیز کمک گرفته است. تعداد زیادی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در عراق فعالیت می‌کنند که توسط ایران ایجاد و یا حمایت شده‌اند. شبکه العالم توسط صدا و سیما، سیمای ایران راه‌اندازی شد و دفاتر آن در تهران، بیروت، دمشق و بغداد فعالیت می‌کنند. شبکه المیادین در ۲۰۱۲ راه‌اندازی شد و توسط ایران حمایت مالی می‌شود. شبکه الکوثر توسط صدا و سیما راه‌اندازی شد و دفتر آن در تهران است (Watkins, 2020: 17-18). از نظر اقتصادی نیز ایران تلاش‌های قابل توجهی به‌خصوص در بخش‌های انرژی و تجارت در عراق انجام داده است. ایران از ۲۰۱۷ تا کنون ۵۲ میلیارد متر مکعب گاز به قیمت ۱۵ میلیارد دلار به عراق صادر کرده است که به گفته وزیر برق عراق، این گاز برای تولید روزانه ۳۵ هزار مگاوات برق عراق یک نیاز ضروری است (شانا، ۱۴۰۳). ایران یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری عراق نیز هست. ۱۲٪ کل تجارت عراق با ایران است و ارزش صادرات سالانه ایران به عراق ۱۰ میلیارد دلار است. ارزش مبادلات تجاری ایران و عراق در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱۴ میلیارد دلار رسید که به پیش‌بینی مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران، این مبلغ در ۱۴۰۷ به ۲۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۳). سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی نیز یکی دیگر از رویکردهای ایران است. ایران در سال ۲۰۱۸ متعهد شد ۳ میلیارد دلار برای بازسازی عراق

هزینه کند و صادرات غیرنفتی خود را به عراق تا ۲۰۲۰، ۱۵ میلیارد دلار افزایش دهد (Badawi, 2018). شرکت‌های ایرانی در ساخت و توسعه پروژه‌های عمرانی در عراق مانند ساخت بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی فعال هستند. یکی از اقدامات مهم ایران ساخت و افتتاح بیمارستان ۲۲۰ تخت‌خوابی امام علی در سال ۱۴۰۱ در نجف است که به تمامی امکانات مدرن مجهز است (روزیاتو، ۱۴۰۱). این پروژه‌ها نه تنها بر اقتصاد عراق تأثیر مثبتی دارند، بلکه به تثبیت نفوذ ایران در این کشور کمک می‌کنند.

با این حال از سال ۲۰۱۷ و اعتراضات ۲۰۱۹ نگاه مردم عراق به ایران تغییر کرد. مردم ریشه فساد در سطوح بالا را در بازیگران سیاسی و امنیتی مورد حمایت ایران می‌دیدند و سرکوب معترضان توسط شبه‌نظامیان تحت حمایت تهران بر میزان عصبانیت مردم عراق از دولت ایران افزود. ارتباط ایران با گروه‌های شبه‌نظامی عراق نیز در کاهش محبوبیت ایران نزد مردم عراق تأثیر داشته است (Watkins, 2020: 7-8). بعلاوه اگرچه ایران از آموزه‌های دینی برای نفوذ بین مردم عراق استفاده کرده است اما ساختار سیاسی ایران در میان علمای ارشد شیعه عراقی پایگاه و پیرو چندانی ندارد (Watkins, 2020: 14-15). از دلایل این عدم استقبال می‌توان به بی‌میلی کشورهای منطقه و آمریکا برای یک دولت شیعی در عراق و افزایش تبلیغات ضدشیعی و ضدایرانی اشاره کرد (Darvishi Setalani & Vatankhah, 2018: 15). گرچه عدم استقلال سیاسی حاکمیت و وابستگی اقتصادی بغداد به آمریکا در کاهش نفوذ ایران نقش دارد اما عملکرد ایران دلیل اصلی این کاهش بوده است. تهران در تعاملات خود با عراق بدون توجه بر تحولات جامعه عراق بیشتر بر احزاب سیاسی تمرکز کرد و قشر خاکستری را که نه مخالف و نه موافق ایران هستند نادیده گرفته، تلاشی برای جلب توجه آنها نکرده است. بعلاوه شبکه‌های عربی برون‌مرزی ایران نیز عملکرد قدرتمندی ندارند و مردم، بیشتر شبکه‌های الجزیره و بی‌بی‌سی را تماشا می‌کنند. به گزارش اندیشکده واشنگتن ۸۵٪ از مردم و ۸۲٪ از شیعیان عراق حضور و عملکرد ایران در کشورشان را منفی می‌دانند (گوهری مقدم و دیگران، ۲۰۲۲: ۴۲-۶). از سوی دیگر قرار گرفتن در برابر چالش‌های سیاسی و اقتصادی در عراق و رقابت‌های منطقه‌ای، ممکن است بر توانایی ایران در حفظ و تقویت این روابط تأثیر بگذارد.

نقاط اشتراک و افتراق دیپلماسی عمومی ایران و چین در لبنان و عراق

بررسی دیپلماسی عمومی ایران و چین در لبنان و عراق نشان می‌دهد هر دو کشور تلاش کرده‌اند با دیپلماسی عمومی قدرت نرم خود را افزایش دهند اما به دلیل تفاوت در نوع عملکرد نتایج متفاوتی به دست آورده‌اند. اولین نقطه مشترک این است که هر دو به اهمیت کاربست دیپلماسی عمومی برای تحقق اهداف سیاسی آگاهند و اقداماتی در این زمینه انجام داده و به عنوان دو تمدن کهن تلاش کرده‌اند با ابزارهای فرهنگی، مردم و دولت‌های لبنان و عراق را تحت تاثیر قرار دهند تا با افزایش قدرت نرم بدون هزینه‌های کلان بتوانند به اهداف خود دست یابند. هر دو بر دیپلماسی فرهنگی و تلاش برای صدور ایده‌های فرهنگی، استفاده از رسانه‌ها و کمک‌های انسان‌دوستانه تاکید داشته‌اند. چین با تاسیس موسسات کنفوسیوسی و آموزش اصول این مکتب در پی جذب مخاطبان و ایجاد ذهنیت مثبت از خود به عنوان یک کشور متمدن است. ایران نیز با تاکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی و زبان فارسی، با ایجاد موسساتی که این اصول را آموزش می‌دهند و اجرای برنامه‌های مذهبی، تلاش می‌کند خود را به عنوان متولی گسترش آموزه‌های اسلامی به منطقه معرفی کند.

در مقابل نقاط مشترک، نقاط افتراق این دو بیشتر است و دلیل آن به نحوه عملکردشان بر می‌گردد. اولین تفاوت این است که چین با پیگیری و اجرای دیپلماسی عمومی به دنبال تغییر در نظام داخلی کشورها نیست، هدف چین توسعه اقتصادی و دستیابی به منابع انرژی است. مقامات پکن بر رویکرد عدم مداخله و پرهیز از تنش‌آفرینی در دیگر کشورها تأکید دارند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول انقلاب اسلامی و آموزه‌های دینی، بر نوعی الگوی الهام‌بخش برای جوامع مسلمان تأکید دارد؛ الگویی که بر بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی تأکید می‌ورزد. این امر باعث تفاوت در بازخورد مردم این کشورها شده است. آنها با روی بازتری از چین استقبال کرده و عملکرد ایران را با دیده تردید می‌نگرند و این موجی از ایران‌هراسی ایجاد کرده است.

تفاوت دیگر دیپلماسی عمومی ایران و چین در میزان سرمایه‌گذاری در این حوزه است. مقامات تهران هرچند از اهمیت تاثیر دیپلماسی عمومی آگاهند اما آنچنان که شایسته

این حوزه است به آن نپرداخته‌اند. هنوز مجری اصلی و تولید کننده فکر در دیپلماسی عمومی مشخص نیست. همزمان وزارت امور خارجه، سازمان ارتباطات اسلامی، شعبه خارجی صداوسیما و سایر نهادهای مذهبی دیگر مجریان این حوزه هستند. هر کدام از این نهادها اقداماتی را انجام می‌دهند که نوعی تداخل در وظایف را به دنبال دارد. بعلاوه برخی از این سازمان‌ها مستقل از وزارت امور خارجه به عنوان تنها نهاد آگاه از شرایط خارج از کشور که اطلاعات دقیقی در دست دارد عمل کرده و گاه همزمان چند گونه عملکرد در حوزه دیپلماسی عمومی دیده می‌شود. مشکل دیگر، تکیه ایران بر سازمان‌ها و نه افراد به عنوان پایه‌های اصلی اجرای دیپلماسی عمومی است. بسیاری از این افراد مهارت‌های ارتباطی کافی برای درک آنچه واقعا در جوامع هدف می‌گذرد را ندارند و همین مساله منجر به عدم دستیابی به اهداف و اتلاف وقت و هزینه می‌شود (خادم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۰). این در حالی است که متولی اصلی دیپلماسی عمومی در چین بر خلاف ایران نه وزارت امور خارجه بلکه دفتر تبلیغات خارجی حزب کمونیست و دفتر دولتی شورای اطلاعات است. آنها از آیین کنفوسیوس، مبادلات فرهنگی و صنعت گردشگری که حساسیت کمتری نسبت به آنها وجود دارد به عنوان برندهای ملی خود استفاده کرده و مباحث ایدئولوژیکی سوسیالیسم و کمونیسم را از دیپلماسی عمومی خود در خارج از کشور بسیار کم‌رنگ کرده‌اند (برازجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷-۱۰).

یکی دیگر از تفاوت‌ها به تبادلات آموزشی (از نظر کمی و کیفی) برمی‌گردد. دانشجویانی که برای آموزش به ایران می‌آیند غالبا در رشته‌های حوزوی و دینی و درصد کمی نیز در آموزش زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند در حالی که چین در تمامی رشته‌های علمی، محققانی را از سراسر جهان بورسیه کرده، آموزش می‌دهد و همزمان دانشجویان بسیاری را به کشورهای دیگر اعزام کرده تا با هزینه دولت آموزش دیده و آخرین دستاوردهای علمی جهان را با خود به کشور برگردانند. در حوزه گردشگری نیز عملکرد بسیار متفاوت است. چین در سال ۲۰۱۴ نزدیک به یک میلیارد و نیم گردشگر داشت که رشد سالانه ۹ درصدی نیز داشته است (برازجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴). ورود این حجم از گردشگر علاوه بر ایجاد درآمد و شغل در چین، یک فرآیند تبلیغاتی است

که توسط گردشگران در سراسر دنیا برای چین انجام می‌شود. ایران با اینکه از نظر جاذبه‌های گردشگری جزء ده کشور برتر جهان است اما از نظر جذب گردشگر رتبه چندان خوبی ندارد به گونه‌ای که در ۲۰۱۹ رتبه ۵۵ را به خود اختصاص داد. دلیل اصلی این مساله فراهم نکردن شرایط مناسب برای ورود گردشگران مانند خدمات (هتل‌ها و آژانس‌های مسافرتی) و زیرساخت‌های هوایی، ریلی، جاده‌ای و دریایی است. استفاده ناکارآمد از این عوامل باعث عدم رشد صنعت گردشگری می‌شود (Rahnama et al., 2019: 417).

برگ برنده چین در دیپلماسی عمومی ارائه ابتکار کمربند- راه است. چین با شراکت کشورهای خاورمیانه در این طرح، هم از نظر اقتصادی سود کرده و هم به دلیل کمک به رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشورها، تصویر مثبتی از خود ایجاد کرده است که اعتبار و نفوذش را افزایش خواهد داد. ایران سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری در کشورهای منطقه بویژه سوریه، عراق و لبنان کرده است اما به دلیل سیاست‌های ناکارآمد نتوانسته از نظر افکار عمومی آنچنان که شایسته است جایگاهی به دست آورد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله دیپلماسی عمومی به عنوان مبحث مهم تعریف و در قالب چارچوب مفهومی ارائه شد. نتیجه نشان داد دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار قدرت نرم مورد توجه ایران و چین است تا بتوانند نفوذ خود را در لبنان و عراق افزایش دهند. دیپلماسی عمومی دو کشور بررسی و در خصوص اهمیت آن بحث شد. نقاط اشتراک و افتراق دیپلماسی عمومی نیز معلوم گردید. دو کشور بر اقتصاد و فرهنگ تاکید داشته و از آنها به عنوان ابزارهای دیپلماسی عمومی استفاده می‌کنند. شیوه اجرای دیپلماسی عمومی، مهم‌ترین تفاوت دو کشور است. سیاست چین در منطقه زیرکانه‌تر از ایران است. پکن تاکید دارد که دخالتی در امور سیاسی کشورها نمی‌کند اما با ایجاد موسسات کنفوسیوسی به اشاعه اصول مورد نظر خود می‌پردازد.

دیپلماسی عمومی چین در خاورمیانه مترصد فرصت و تهدیدهایی برای ایران است. سیاست‌های صلح طلبانه چین در قالب دیپلماسی عمومی می‌تواند به امنیت و ثبات منطقه

کمک کرده، باعث امنیت در همسایگی ایران شود. عملکرد پکن در لبنان و عراق می تواند تجربه ارزنده ای در اختیار سیاست گذاران ایران قرار داده تا سیاست های تاثیر گذارتری در برخورد با این دولت ها در پیش گیرند. بعلاوه چون ایران از شرکای استراتژیک چین است، می تواند حضور پررنگ تری در منطقه داشته و عامل ایران هراسی که چهار دهه بر روابط این کشور با خاورمیانه سایه افکنده است را تغییر و چهره صلح طلبانه تری از خود نشان دهد. از همه مهم تر حضور چین باعث کاهش حضور آمریکا شده، می تواند فضا را برای ایران بازتر کند.

حضور چین تهدیدهایی را نیز به دنبال دارد. ایران و چین دو نظام سیاسی متفاوت دارند. موسسه های کنفوسیوسی بر آموزش زبان چینی و مکتب کنفوسیوس تاکید دارند و ایدئولوژی کمونیستی نیز در قالب این آموزه ها تبلیغ می شود. ورود این جریان به منطقه برای ایران زیان بار خواهد بود. بعلاوه رواج اندیشه های کمونیستی در منطقه باعث عدم تمایل آنها به حضور ایران شده، راه را بر ایران تنگ خواهد کرد. نکته دیگر اینکه ایجاد روابط مستحکم کشورهای منطقه با پکن، از نظر اقتصادی برای ایران آسیب زاست و ظرفیت صادرات انرژی ایران را به چین کاهش خواهد داد. افزایش نفوذ چین در منطقه و تمایل این کشورها به چین می تواند در نوع و سطح روابط چین و ایران تاثیر گذار بوده و تمایل پکن برای ارتباط با تهران را کاهش دهد.

تجربیات چین و نیز تجربه ایران در لبنان و عراق نشان داده است که دخالت مستقیم در امور داخلی کشورها منجر به عدم اعتماد افکار عمومی شده، کاهش نفوذ و اعتبار در سطح منطقه و بین الملل را به دنبال خواهد داشت. لذا لازم است مقامات تهران در حوزه دیپلماسی عمومی بر اموری که حساسیت کمتری ایجاد می کند تاکید داشته و با تبلیغ آن اقدام به جلب توجه افکار عمومی کشورها نمایند. استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند آموزش زبان، چاپ کتاب و نشریه، انتشار فیلم و سریال، برگزاری نمایشگاه های هنری، ایجاد فضای آرام برای جذب توریست، تبادل دانشجوی و استاد، برگزاری جشنواره های ورزشی و اقداماتی از این دست که خالی از تنش بوده کمک خواهد کرد تصویر منفی ایران تا حد زیادی از بین رفته و ایران هراسی کاهش یابد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Azita Salehi		https://orcid.org/0000-0002-1236-929x
Nozar Shafiee		https://orcid.org/0000-0001-7747-6697
Shahrooz Ebrahimi		https://orcid.org/0009-0008-9522-6390
Saeid Vosoughi		https://orcid.org/0000-0002-0965-2668

منابع

- آخوندی نعمت آباد، هادی، متقی، ابراهیم و شیرزادی، رضا، (۱۴۰۲)، «چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران»، علوم سیاسی، دوره ۲۶، شماره ۳، ۱۹۹-۲۲۸. <https://doi.org/10.22081/PSQ.2022.64929.2699>
- برازجانی، مریم؛ اصغری ثانی، حسین و پوردست، زهرا، (۱۳۹۶)، «کارویژه دیپلماسی عمومی در تغییر وجهه بین‌المللی چین»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۲، <https://doi.org/10.22067/jipr.v4i2.46392>.
- بیگی، علیرضا، (۱۴۰۱)، «ارائه راهبردهای تقویت همکاری‌های ایران و مقاومت لبنان با تاکید بر عناصر فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و رسانه، دوره ۷، شماره ۱، ۱-۳۴.
- حسینی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۲)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه)»، سیاست خارجی، دوره ۲۷، شماره ۳.
- خادم‌زاده، جواد، ایزدی، جهانبخش و سلطانی، علیرضا، (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۹، شماره ۳۴، ۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۳۴۵۶۱۴۰.۱۳۹۹.۹.۳۴.۴.۸.
- رفیع، حسین و نیک‌روش، ملیحه، (۱۳۹۳)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شهرپور، دوره ۶، شماره ۲۲.

- گل محمدی، حبیب الله، متقی، ابراهیم و برزگر، کیهان، (۱۴۰۲)، «نقش راهپیمایی اربعین در دیپلماسی عمومی ایران»، *سیاست متعالیه*، دوره ۱۱، شماره ۱، ۲۸۷-۳۰۳.
<https://doi.org/10.22034/sm.2021.543986.1784>
- گوهری مقدم، ابوذر، بیگی، علیرضا و فرهنگ، فرشاد، (۱۴۰۱)، «ارائه راهبردهای تقویت همکاری‌های ایران و عراق با تاکید بر نقاط قوت- ضعف؛ فرصت- تهدید»، *مطالعات سیاسی جهان/سلام*، دوره ۱۱، شماره ۴، ۱۰.30479/PSIW.2023.17869.3155
- متقی، ابراهیم و شایسته، حمید، (۱۳۹۶)، «دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها»، *مطالعات منافع ملی*، تابستان، شماره ۸
- مرادی، مریم، موسوی زاده، علیرضا، کاظمی زند، سید علی اصغر و دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «راهبرد دیپلماسی عمومی ایران در آفریقا»، *دانش سیاسی*، بهار و تابستان، شماره ۱.
- مومنی، مجیدرضا و خانگلزاده سنگرودی، نرگس، (۱۴۰۱)، «مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی عمومی هند و چین در کشورهای حوزه خلیج فارس (۲۰۲۱-۲۰۰۱)»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، بهمن، دوره ۱۱، شماره ۴۳،
<https://doi.org/10.22054/qps.2022.68394.3062>
- هادیان، ناصر و ایرانفر، محمدمهدی، (۱۴۰۱)، «سطح متراکم دیپلماسی عمومی شیعی و ارتباطات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۲۵، شماره ۲، ۲۷۱-۳۰۰.
- خبرگزاری شانا، (۱۴۰۳)، «صادرات گاز ایران به عراق»، قابل دسترس در <https://www.shana.ir/news/639353>
- ساخت بیمارستان فوق مجهز در عراق توسط ایران، (۱۴۰۱)، *روزیاتو*، قابل دسترس در <https://rooziato.com/1401394436>
- تجارت ایران و عراق، (۱۴۰۳)، *دنیای اقتصاد*، قابل دسترس در <https://donya-e-eqtesad.com>

References

- Abboud, S, (2021), The Foreign Policies of the US and France: Convergences and Divergences: The Case of Lebanon: 2016-2021, Doctoral Dissertation, Notre Dame University-Louaize.

- Al Shaher, S., & Zreik, M, (2022), “The Belt and Road Initiative in Lebanon: A Promising Initiative in A Complex Society”, *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, Vol. 9, No. 2, p.151-158. doi:10.13106/jafeb.2022.0151.
- Andersen, L. E., et al., (2020), “China-MENA Relations in the Context of Chinese Global Strategy”, *Joint Policy Studies*, No. 16, p.10-31.
- Azizi, H & Barnes Dacey, J (2024), “Beyond Proxies: Iran’s Deeper Strategy in Syria and Lebanon, European Council of Foreign Relations”, available at: <https://Ecfr.Eu/Wp-Content/Uploads/2024/06/beyond-Proxies-Irans-Deeper-Strategy-in-Syria-and-Lebanon-V2.Pdf>.
- Baban, M (2024), “Chinese Trade and Investment in Iraq: Risk or Opportunity?”, available at: [https:// rudawrc. net/ en/ article/ chinese-trade- and- investment-in-iraq-risk-or-opportunity-2024-02-20](https://rudawrc.net/en/article/chinese-trade-and-investment-in-iraq-risk-or-opportunity-2024-02-20).
- Badawi, T, (2018), “Iran’s Economic Leverage in Iraq”, available at <https://carnegieendowment.org/sada/2018/05/irans-economic-leverage-in-iraq?lang=en>.
- Calabrese, J(2023), “Beijing to Baghdad: China’s Growing Role in Iraq’s Energy Sector”, available at: [https:// www. mei. edu/ publications/beijing-baghdad-chinas-growing-role-iraqs-energy-sector](https://www.mei.edu/publications/beijing-baghdad-chinas-growing-role-iraqs-energy-sector).
- Darvishi Setalani, F & Vatankhah, Z, (2018), “A Study of the Islamic Republic of Iran’s Policy Toward New Iraq (2003-2015)”, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 13, No. 48.
- Golan, G, J, (2013), “An Integrated Approach to Public Diplomacy”, *American Behavioral Scientist*, Vol. 57, No. 9.

- Gonesh, A, G, & Melissen, J, (2005), "Public Diplomacy: Improving Practice", The Hague: Netherlands Institute of International Relations Clingendael.
- Gregory, B, (2011), "American Public Diplomacy: Enduring Characteristics, Elusive Transformation", *The Hague Journal of Diplomacy*, March, Vol. 6.
- Grincheva, N, (2024), "The Past and Future of Cultural Diplomacy", *International Journal of Cultural Policy*, Vol. 30, No. 2, p.172-191.
- Gul, Z, (2023), "The New Era in the Continuum of China and Iraq's Relationship", *Asian Journal of Comparative Politics*, Vol. 8, No. 1, p.348-363.
- Habibi, N, (2021), "China's Economic And Strategic Relations with the Levant Region", *Panorama*, Available at [https:// www.globalpanorama. org/en/2021/11/chinas-economic- and- strategic-relations- with- the- levant- region- nader- habibi/](https://www.globalpanorama.org/en/2021/11/chinas-economic-and-strategic-relations-with-the-levant-region-nader-habibi/), DOI: 10.13140/RG.2.2.34332.62085.
- Haji-Yousefi, A. M, (2021), "Iran's Policy in the Syrian Civil War: From Liberal Pacifism to Liberal Interventionism", *International Journal of New Political Economy*, Vol. 2, No. 1, p. 211-230.
- Hartig, F, (2015), *Chinese Public Diplomacy: The Rise of the Confucius Institute*, First Published 2016, Routledge, ISBN: 978-1-315-75008-8 (Ebk).
- Hartig, F, (2016), "How China Understands Public Diplomacy: The Importance of National Image for National Interests", *International Studies Review*, Dec, Vol. 18, No. 4, <https://doi.org/10.1093/Isr/Viw007>.
- Henrikson, A, K, (2006), "What Can Public Diplomacy Achieve?", Netherlands Institute of International Relations' Clingendael'.

Available at [https:// www. clingendael. org/ publication/what-can-public-diplomacy-achieve](https://www.clingendael.org/publication/what-can-public-diplomacy-achieve)

- Hongxiu, L, (2018), “Public Diplomacy in the Belt And Road Initiative within the New Media: Theories and Practices”, *Athens J, Mass Media Commun*, Vol. 4, No. 3.
- Lebanese Hezbollah, Congressional Research Services (CRS), (2024), Available at: Chrome extension://Efaidnbmnnnibpcajpcgglefindmkaj/ Https://Crsreports.Congress.Gov/Product/Pdf/IF/IF10703.
- Li, H, Y & Wong, S, (2018), “The Evolution of Chinese Public Diplomacy and the Rise of Think Tanks”, *Place Branding and Public Diplomacy*, Vol. 14.
- Lucic, A, (2009), “Hezbollah: an Iranian Project?”, *National Security and the Future*, Vol. 10, No. 1, 77-88.
- Mehr News Agency, (2023), “Iran’s Export to Lebanon set 20 Years Record”, available in [https:// en. mehrnews. com/ news/197981/Iran-s-exports-to-Lebanon-set-20-year-record](https://en.mehrnews.com/news/197981/Iran-s-exports-to-Lebanon-set-20-year-record).
- Mehr News Agency (2022), “Lebanon Emphasizes Developing Cultural Ties with Iran”, available in [https:// en. mehrnews. com/ news/184381/Lebanon-emphasizes-developing-cultural-ties-with-Iran](https://en.mehrnews.com/news/184381/Lebanon-emphasizes-developing-cultural-ties-with-Iran).
- Melissen, J, (2005), *The New Public Diplomacy*, First Published 2005 by Palgrave Macmillan.
- Mousavi, S. M, (2022), “Cultural Reflection on the Islamic Revolution of Iran and Imam Khomeini’s Teaching on Islamic Movements (Case Study: Hezbollah in Lebanon)”, *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, Vol. 4, No. 12, p. 89-110.

- Mukhlif, M. K., & Dawood, I. M. R, (2023), “The Belt-Road Initiative and Prospects, Iraq as A Model-Strategic Vision”, *Alghazaya-Alsiyasiyah*, No. 74, p.399-416.
- Pourali, P, Dehshiri, M, R, & Ghaedi, M, (2022), “A Comparative Study of Iranian and Turkish Cultural Diplomacy in Iraq (2003 to 2020)”, *International Journal of Political Science*, Vol. 12, No. 4.
- Rahnama, A, Yaghoubi, M, & Khaksar Astaneh, H, (2019), “Evaluating the Relative Efficiency of Iran's Tourism Industry: A Non-Parametric Approach”, *Iranian Economic Review*, Vol. 23, No. 2.
- Schliebs, M., Bailey, H., Bright, J., & Howard, P. N, (2021), “China's Public Diplomacy Operations: Understanding Engagement and Inauthentic Amplifications of PRC Diplomats on Facebook and Twitter”, *Oxford Internet Institute*, available at: [https:// demtech. oii. ox.ac.uk/research/posts/chinas-public-diplomacy-operations-understanding-engagement-and-inauthentic-amplification-of-chinese-diplomats-on-facebook-and-twitter](https://demtech.oxi.ox.ac.uk/research/posts/chinas-public-diplomacy-operations-understanding-engagement-and-inauthentic-amplification-of-chinese-diplomats-on-facebook-and-twitter).
- Sharma, A, (2023), “China’s Soft Power in the Middle East”, *Understanding China*, P.23-40, available at: [https:// link. altmetric. com/ details/ 149480278/ chapter/ 149483234 https://doi.org/10.1007/978-3-031-31042-3_2](https://link.altmetric.com/details/149480278/chapter/149483234https://doi.org/10.1007/978-3-031-31042-3_2).
- Tehran Times, (2010), Iran to Invest \$450 Million in Lebanon, available at: <https://www.tehrantimes.com/news/228270/Iran-to-invest-450-million-in-Lebanon>.
- The New Region, (2024), “200 Projects to be Implemented between Iraq-China”, available at: [https:// thenewregion. com/ posts/ 568/200-projects-to-be-implemented-between-iraq-china](https://thenewregion.com/posts/568/200-projects-to-be-implemented-between-iraq-china).
- Ungor, Ç, (2023), “Chinese Vaccine Diplomacy in the Eastern Mediterranean: Continuities AndRupture in Beijing’s Soft Power

Prospects”, *Contemporary Review of the Middle East*, Vol. 10, No. 1, p.62-83.

- Watkins, J, (2020), “Iran in Iraq: the Limits of ‘Smart Power’ amidst Public Protest”, *LSE Middle East Centre Paper Series*, Vol. 37.
- Wen, S., & Chen, Y, (2022), “China’s Middle East Economic Diplomacy in the New Era”, *Chinese Journal of International Review*, Vol. 4, No. 2, 2250007.
- Yang, Y, (2020), “Looking Inward: How Does Chinese Public Diplomacy Work at Home?”, *The British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 22, No. 3, <https://doi.org/10.1177/1369148120917583>.
- Zhao, K. (2015), “The Motivation Behind China’s Public Diplomacy”, *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 8, No. 2, p.167-196.
- Zhu, Z, (2018), “China’s New Diplomacy in the Middle East and Its Implication for the United States”, *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, Vol. 3, No.4, p.41-52.
- Zreik, M,(2021), “Chinese Geostrategic Expansion in the Levant: a Case Study of Lebanon”, available at: [https:// www. atalayar. com/ en/ articulo/ politics/chinese-geo-strategic-expansion-levant-case-study-lebanon/20211125130412153926.html](https://www.atalayar.com/en/articulo/politics/chinese-geo-strategic-expansion-levant-case-study-lebanon/20211125130412153926.html).

In Persian

- Akhondi Nematabad, Hadi, Motaghi, Ebrahim, & Shirzadi, Reza, (2023), “The Structural and Functional Dynamics of the Public Diplomacy of Iranian Foreign Policy”, *Political Science*, Vol. 26, No. 3, p.199-228. <https://doi.org/10.22081/PSQ.2022.64929.2699>. [In Persian]
- Beigi, Alireza, (2022), “Strategies to Strengthen Cooperation between Iran and Lebanese Resistance with an Emphasis on Cultural Elements”, *Bi-*

quarterly Scientific Journal Culture and Media Research, Vol. 7, No. 1, p.1-34. [In Persian]

- Borazjani, Maryam Asghari Thani, Hossein & Pourdest, Zahra, (2016), "The Role of Public Diplomacy in Changing China's International Image", *Iranian Journal of International Politics*, Vol. 4, No. 2, <https://doi.org/10.22067/Jipr.V4i2.46392>. [In Persian]
- Construction of a State-of-the-Art Hospital in Iraq by Iran, (2022), "Rooziato", Available at: <https://Rooziato.Com/1401394436>. [In Persian]
- Gohari Moghadam, Abuzar, Beigi, Alireza & Farhang, Farshad, (2022), "Providing Strategies to Strengthen Iran-Iraq Cooperation by Emphasizing the Strengths and Weaknesses; Opportunity-Threat", *Islamic World Political Studies*, Vol. 11, No. 4, 10.30479/PSIW.2023.17869.3155. [In Persian]
- Gol Mohammadi, Habibollah, Motaghi, Ebrahim, & Barzgar, Kayhan, (2023), "The Role of the Arbaceen Pilgrimage in Iran's Public Diplomacy", *Elevated Politics*, Vol. 11, No.1, p.287-303, <https://doi.org/10.22034/Sm.2021.543986.1784>. [In Persian]
- Hadian, Nasser & Iranfar, Mohammad Mehdi, (2022), "The Dense Level of Shia Public Diplomacy And Strategic Communications of the Islamic Republic of Iran", *Strategic Studies Quarterly*, Vol. 25, No.2, p.271-300. [In Persian]
- Hosseini, Seyed Mohammad Hossein, (2013), "The Position of Public Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (Case Study: the Middle East Region)", *Foreign Policy*, Azar, Vol. 27, No. 3. [In Persian]
- Iran and Iraq Trade, (1403), "Donya-E-Eqtasad", Available at: <https://Donya-E-Eqtasad.Com>. [In Persian]
- Shana, "Iran's Gas Exports to Iraq", (1403), Available at: <https://www.Shana.Ir/News/639353>. [In Persian]
- Khademzadeh, Javad, Izadi, Jahanbakhsh & Soltani, Alireza, (2020), "Structural Pathology of Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran",

Strategic Policy Research, Vol. 9, No. 34, 20.1001. 1.23456140. 1399.9.34.4.8. [In Persian]

- Belt and Road Portal, (2024), "Lebanon Should Promote Cooperation with China Through Projects in Various Fields: Expert", available at: [https:// eng.yidaiyilu. gov. cn/p /0V94QDD3. html](https://eng.yidaiyilu.gov.cn/p/0V94QDD3.html). [In Persian]
- Momeni, Majid Reza & Khangolzadeh Sangroodi, Narges, (1401), "A Comparative Study of Indo-Chinese Public Diplomacy in the Arab Countries of Persian Gulf (2001-2021)", *Quarterly of Political Strategic Studies*, Vol. 11, No. 43, [https:// Doi. Org/ 10.22054/ Qpss.2022.68394.3062](https://doi.org/10.22054/Qpss.2022.68394.3062). [In Persian]
- Moradi, Maryam, et al., (2020), "Iran's Public Diplomacy Strategy in Africa", *Political Science*, Spring and Summer, No. 1. [In Persian]
- Motaghi, Ebrahim & Shaiste, Hamid, (2017), "Public Diplomacy of Iran; Capacities and Challenges", *National Interest Studies*, Summer, No. 8. [In Persian]
- Rafi, Hossein & Nikrosh, Maleeha, (2013), "Public Diplomacy and Soft Power", *International Relations Studies Quarterly*, September, Vol. 6, No. 22. [In Persian]

استناد به این مقاله: صالحی، آزیتا، شفیعی، نوذر، ابراهیمی، شهروز و وثوقی، سعید، (۱۴۰۴)، «مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی عمومی ایران و چین در عراق و لبنان (۲۰۱۰-۲۰۲۳)»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۲۲۱-۲۵۶.

Doi: 10.22054/QPSS.2025.79088.3397



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License